

سهام خواهی و ریزش حلقه اولیه اطرافیان پزشکيان يك چالش جدی است

انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسیده است، اصولگرایی که خود را آماده فتح دوباره پاستور کرده بودند با پیروزی مسعود پزشکیان، دچار شوک و بهت شدند. در این میان، برخی به سیدرئی مسعود پزشکیان حمله می‌کنند و برخی دیگر انگشت اتهام را به سمت قالیباف و جلیلی می‌زنند و آنان را مقصر شکست اصولگرایان معرفی می‌کنند. در همین راستا، غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح طلب به خبرنگاران گفت: برخی می‌گویند اگر به آقای جلیلی رأی داده شود، رأی جلیلی رأی می‌دهند؟ شهید سلیمانی که با آقای جلیلی سازگاری نداشت و می‌گفت اگر ایشان مسئولیت را در پاستور بپذیرد، من یک روز هم در سیاه قدس نخواهم ماند. آنان می‌گفتند اتفاق غیر منتظره‌ای نمی‌افتد، قبلا هم به این شکل بود اما این دوره شدیدتر بود. بالاخره این افراد سه سال در پاستور بودند و آن را در عرض سه هفته از دست دادند. در ادامه مشروح گفت‌وگو با غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح طلب را می‌خوانید:

◀ **شما این استدلال را که اگر آقای جلیلی از انتخابات کنار می‌رفت، شانس آقای قالیباف بیشتر بود را می‌پذیرید؟**

اگر آقای پزشکیان و آقای قالیباف به رقابت برمی‌خاستند، ممکن بود که آقای پزشکیان این مسائل را در جهت مبارزه با فساد مطرح کند، زیرا بحث مرگ و زندگی بود و طرف می‌گفتند که در چه جنبه‌هایی ناکارآمد هستند. به طور مثال، آقای جلیلی و دیگران، آقای پزشکیان را متهم به بی‌برنامه بودن می‌کردند و ایشان هم می‌توانست بگوید برنامه شما آنکه از فساد است و آنان را در موضع عکس العمل قرار بدهد.

◀ **یعنی آقای پزشکیان، سندهایی از فساد درباره آقای جلیلی داشتند و در مناظرات رو کردند؟**

کمینه‌هایی کاری کردند و سندها را به ایشان می‌دادند. ضعف‌هایی را از آقای زاکانی و دیگران را ارائه می‌کردند. اما آقای پزشکیان اخلاقی برخورد کرده و آنان را رو نکرد. بادم می‌آید در یک مسابقه کشتی مرحوم تختی با رقیب روسی خود، وقتی فهمید دست حریف مشکل دارد هیچ وقت به سمت آن دست نرفت. آقای پزشکیان نیز همچنین اقدامی را انجام داد. مسائلی وجود داشت که اگر آقای پزشکیان یکی از آنان را رو می‌کرد، رقیبایی که سعی کردند ایشان را به حاشیه بکشاند، باید از مسئولیت فعلی خود نیز کنار می‌رفتند.

◀ **آقای رجایی، ما ریزش شدید آرای آقای قالیباف را در دو انتخابات اخیر شاهد بودیم، فکر می‌کنید آینده سیاسی ایشان به کدام سمت خواهد رفت؟**

آینده سیاسی آقای قالیباف دیگر تمام شده است. ایشان اگر بخواهند تحرکی داشته باشد باید در همین بهارستان باشد که ممکن است این آخرین ریاست او بر مجلس باشد. ایشان دیگر در حد نماینده کنگشگر فعال خواهد بود یا دفتر خبری را ایشان مانند آقای فتاح در ستاد اجرایی بنیادهایی شبیه آن استفاده کند. ولی اینکه بخواهند در رقابت‌های آینده وارد پاستور شود تمام شده است. هم برای آقای جلیلی هم برای آقای قالیباف تمام شده است.

◀ **این روزها بحث سهام خواهی از دولت چهاردهم مطرح می‌شود، با توجه به گستردگی که طیف حامیان آقای پزشکیان دارند، این مسأله می‌تواند به یک چالش تبدیل شود؟**

من فکر می‌کنم یکی از بحث‌های جدی آقای پزشکیان، مسأله اطرافیان ایشان است و از همان اول تشکیل ستاد ایشان دیده شد ولی گفتند تجربه نداشتند و شهرستان آمدند برای همین جدی گرفته نشد. اما زمانی که آقای پزشکیان در انتخابات برنده شدند، من شنیدم که باعث رنجش افرادی که در پیروزی‌شان نقش داشتند شد و فاصله گرفتند. البته تلاش‌هایی برای بازگرداندن آنان شد، اما آقای پزشکیان باید در این چالش مداخله کرده و اجازه ریزش ندهند. رویکرد ایشان باید جذب آرای باشد که به ایشان رأی ندادند چه پرسید که حلقه‌های اولیه بخواهند فاصله بگیرد. من مسأله سهام خواهی را چالش جدی می‌دانم و ایشان باید در این قضیه دخالت کند. بحث سهام خواهی می‌تواند برای ایشان یک پاشنه آشیل باشد که نتیجه خوبی هم نخواهد داشت. افرادی که چند دور وزیر شدند به دلیل تجربه و سابقه اگر بخواهند در کابینه باشند، موج برگشت منفی علیه ایشان ایجاد خواهد شد.

◀ **حضور چه کسانی در دولت آقای پزشکیان قطعی شده است؟ شما اطلاعی دارید؟**

خیر، هنوز دارند افراد را بررسی می‌کنند و حضور هیچ فردی قطعی نیست. کما اینکه آقای ظریف هم رئیس شورای سیاست‌گذاری شدند. کمیته‌های ۵ گانه در حال بررسی افراد هستند و در مرحله پیمایش هستند و هنوز اسمی به آقای پزشکیان داده نشده است.

◀ **گفته می‌شود که حضور آقای طیب‌نیا و آقای دهقان در دولت قطعی است؟**

من اطلاعی ندارم چه مانعی وجود دارد که آقای طیب‌نیا در دولت باشد؟ امکان دارد ایشان به عنوان ایدر اقتصادی دولت در کابینه باشد اما درباره آقای دهقان اطلاعی ندارم.

فرار دلواپسانه در سه نما

تاکتیک جدید دلواپسان



آرمان ملی: انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم برای تعیین نهمین رئیس جمهور ایران به علت فاجعه غمبار پرواز اردیبهشت و شهادت آقای رئیسی یک سال زودتر برگزار شد. برای دومین بار این انتخابات در طول دوران برگزاری خود به دور دوم کشید که در روز جمعه ۱۵ تیرماه با مشارکت ۵۰ درصدی واجدان شرایط، دکتر پزشکیان به پیروزی رسید و تا دو هفته دیگر مراسم تحلیف و تنفیذ وی برگزار می‌شود. به قول اهالی رسانه گرد و غبار این انتخابات خوابید و حال وقت بررسی و نگاه رسانه‌ای به مسائل پسا انتخاباتی است. این انتخابات که در دور اول با مشارکت ۳۹ درصدی برگزار شد زنگ هشدار بود که به صدا درآمد. به گفته مقام معظم رهبری باید توسط جامعه شناسان و اندیشکده‌ها علت این مشارکت پایین بررسی شود، اما در دور دوم درست یک هفته بعد مشارکت به ۵۰ درصد رسید و به بنا برخی تحلیل‌ها مردم از احتمال پیروزی رویکرد رقیب آقای پزشکیان احساس خطر کردند و به صحنه آمدند و اینکه در این مشارکت اصلاح طلب بودن آقای پزشکیان و اصولگرا بودن آقای جلیلی مطرح باشد، منتفی است چرا که این گزاره در دور اول هم بود و مشارکت بالایی اتفاق نیفتاد و برخی تحلیل‌ها که مردم رای ایجابی دادند و آقای پزشکیان با صداقت صحبت کردند و پاکدست بودن که در این موارد شکی نیست، اما این گزاره‌ها در دوره اول نیز بود.

به نظر می‌آید صاحب‌ترین نظر رای سلبی‌ای بود که رای دهندگان احساس کردند که با آمدن رویکرد رقیب دکتر پزشکیان شرایط اقتصادی از این نیز سخت‌تر خواهد شد.

پس با اطمینان به صندوق رای که در دور دوم این اطمینان صد چندان شده بود به پای صندوق‌ها رای آمدند. در این گزارش به بررسی مواضع دلواپسان پس از انتخابات و رودیگر آنها پرداخته ایم؛ رویکردهایی که بیشتر از آن باید با عنوان فرار دلواپسانه یاد کرد. این رویکردها را در سه نما بررسی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

نمای اول: فرار از نتایج صندوق

انتخابات چه مجلس دوازدهم و چه ریاست جمهوری سیزدهم با کاهش مشارکت همراه بود و در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم حدود ۴۸ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند و در مجلس دوازدهم حدود ۴۲ درصد و در مراحل دوم این انتخابات شاهد رکورد بی‌سابقه مشارکت ۸۰ درصدی بودیم. بنا به گفته تحلیلگران اجتماعی و سیاسی در انتخابات مجلس برخلاف کلانشهرها که بیشتر گرایش‌های سیاسی و لیستی رای دادن وجه غالب است در شهرستان‌های کوچک بیشتر انگیزه‌های محلی، قومی و قبیله‌ای تأثیر دارد. در انتخابات مجلس دوازدهم اصولگرایان با شاخه‌های جدید جبهه انقلاب و پایداری و شانا و... بیش‌ترین کرسی‌ها را تصاحب کردند، اما بنا بر همان گفته پیشین و دخیل بودن انگیزه‌های محلی و قومی تعداد نمایندگان مستقل و اصلاح طلبان راه یافته به مجلس کم‌تر از مشارکت ۴۸ درصدی واجدان شرایط، شهید رئیسی با ۱۸ میلیون رای به عنوان ریاست جمهوری رسید و آرای محسن رضایی و قاضی زاده هاشمی نزدیک به ۴ میلیون و سیصد هزار رای بود و اصولگرایان این میزان رای را مصادره به مطلوب کردند و آن را رای به جریان اصولگرایی دانستند در این تحلیل‌ها به شخصیت رای آوری شهید رئیسی که در زمان قوه قضائیه دارای عملکردی مطلوبی بود اشاره‌ای نکردند و با این رویکرد که اگر مشارکت به میزان انتخابات مجلس باشد باز این جریان در همان مرحله اول به پیروزی خواهد رسید، رقابت را با ۵ نامزد اصولگرا در برابر تنها نامزد اصلاح طلبان شروع کردند. با کنار رفتن پوششی‌ها قهرمانان اصلی اصولگرا یعنی قالیباف و جلیلی که به پیروزی خود مطمئن بودند در میدان ماندند و در روز ۱۵ تیرماه با مشارکت ۵۰ درصدی مردم اصولگرایان ۱۳ میلیون و ۶۰۰ هزار آوری آوردند. در انتخاباتی که از لحاظ تعداد نامزد و امکانات و حتی همراهی صد اوسما که صدای بسیاری از منتقدان در مناظره آخر به خاطر عملکرد مجری مناظره را درآورد و حتی همراهی برخی نهادها از آنها باز شکست خوردند. اکنون با گذشت ۱۲ روز از انتخابات هنوز دنبال مقصر می‌گردند و از تحلیل منطقی و کارشناسی ریزش حدود ۹ میلیون رای خود و بررسی علل آن فراموشی کردند.

نمای دوم: فرار از واقعیت‌های اقتصادی

اغلب تحلیلگران و اصولگرایان پیروزی آقای رئیسی در انتخابات دوره سیزدهم را به علت مشکلات سخت اقتصادی و جهش تمامی شاخص‌های اقتصادی از جمله افزایش کالاهای اساسی مردم، مسکن، خودرو، دلار و حوادث خسارت‌بار مربوط به افزایش قیمت بنزین شده است، داشته و همواره از شخصیت شهید رئیسی و موضع رئیس جمهور وقت در مورد بی‌اطلاعی از افزایش قیمت و سوختن سرمایه مردم در بورس می‌دانستند و در تحلیل اصولگرایان چه در صدا و سیما و چه در روزنامه‌های و سایت‌هایشان از تحویل خرابه و هزاران مشکل دیگری می‌گفتند. روزنامه آرمان ملی در طول دولت سیزدهم بیش‌ترین انتقادات را به عملکرد اقتصادی دولت سیزدهم که منجر به مشکلات معیشتی جامعه شده است، داشته و همواره از شخصیت شهید رئیسی به عنوان شخصی با صداقت و خستگی ناپذیر یاد کرده است که نگاهی به تیرها و یادداشت‌های این روزنامه در طول دولت سیزدهم نشان دهنده این رویکرد است. پس این جزیه برای تخریب دولت سیزدهم نیست فقط نشان دادن برخی واقعیت‌های معیشتی جامعه است. کاری با آمارهای دولتی و دستاوردسازی دلواپسان مانند اسب زین شده و شاخص دیگر اقتصاد کلان که باید کارشناسان خبره اقتصاد در مورد آن نظر دهند، نداریم فقط به سفره مردم و مشکلات روزمره آنان اشاره می‌کنیم. یکی از بیش‌ترین هججه‌ها به دولت دوازدهم دلار جهنگیری بود که این تخصیص ارز باعث رانت برای عده‌ای می‌شود و حتی رئیس قوه مقننه در صدا و سیما گفت با آزاد شدن نرخ برای واردات به نرخ ۲۸ هزار تومان قیمت آن روز دلار و ارز ترجیحی فعلی دیگر رانتی وجود نخواهد داشت، چرا که تفاوت قیمت بازار و سامانه تخصیص از بین رفته است و حتی قیمت‌ها چنان افزایشی نمی‌یابد مثلاً مرغ به کیلویی ۲۷ هزار تومان می‌رسد و دولت سیزدهم شروع به حذف ارز جهنگیری با عنوان جراحی اقتصادی کرد با تخصیص یارانه و اینکه گرانی برای چهار قلم خواهد بود و شد آنچه که می‌بینید، گوشت کیلویی ۸۰۰ هزار تومان، برنج ایرانی بالای ۱۰۰ هزار تومان و... سبب رانت هم دیش به راه است چون فاصله ارز ترجیحی با بازار آزاد حدود ۲۹ هزار تومان است. و سقوط بیشتر مردم به زیر خط فقر. حالا دلواپسان هر دم از افزایش فروش نفت و... افزایش تجارت خارجی می‌گویند. حکایت فروش با تخیف و نفت دیگر نیاز به هیچ توضیحی ندارد و ساخت مسکن و عده‌های دیگر مانند تک رقمی شدن تورم بماند. حال کجای این اقتصاد معیشتی به اسب زین شده می‌ماند و دلواپسان از جوابگوی در مورد وضعیت اقتصاد فرار می‌کنند و دولت نیامده را در مقابل اینکه همه چیز گل و بلبل است قرار می‌دهند. واقعاً وضعیت معیشتی مردم رانمی‌بینید یا خود را به ندیدن زده‌اید؟

رضا نصری حقوقدان و کارشناس ارشد سیاست خارجی، در واکنش به سخنان سعید جلیلی در خصوص پرونده کرست در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پرونده کرست یک پرونده مهم بین المللی است که مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته. اینکه بگویند «جای متهم دادگاه است و نه در مناظره» مبنای محکمی ندارد. مادام که متهم در دادگاه محکوم نشده، اصل بر ابرائت است و حق دارد از هر تریبونی مواضع خود را مطرح کند

نمای سوم: فرار از مناظره

در مناظرات انتخاباتی کاندیداهای اصولگرا مواردی را مطرح کردند که اگر از پاس گل زاکانی به آقای پزشکیان که «من نمی‌گذارم تو رئیس جمهور شوی» که واکنش‌ها بسیاری به همراه داشت بگذریم. برای تخریب تنها نامزد اصلاح طلبی که او خود را اصلاح طلب اصولگرا می‌نامید موضوع کرست نیز مطرح شد. آقای جلیلی به آن اشاره کرد و حتی آقای زاکانی به آقای پورمحمدی گفت ما در مورد کرست با شما کار داریم. بعد از مناظرات چندین بار آقای زنگنه درخواست مناظره با آقای جلیلی کرده است و جلیلی درباره فضا سازی‌ها پیرامون دعوت به مناظره درباره کرست گفت: «در مورد کرست که من عرض کردم؛ جای متهم در دادگاه است نه در مناظره. من معتقدم که اگر ابعاد پرونده کرست برای مردم عزیز روشن شود متهمان پرونده باید به دنبال سوراخ موش بگردند، آن هم از ترس مردم نه از دادگاه و احکام اینها. از ترس افکار عمومی، چرا که باید پاسخ بدهی بابت خیانت‌هایی که صورت گرفته است. خوشبختانه احکام زیادی در پرونده کرست صادر شده است و افرادی که در این قضیه متهم بودند محکوم شده‌اند.» جلیلی به بررسی پرونده دانه درشت‌ها در قضیه کرست اشاره کرد و افزود: «حالا رسیدگی دادگاه به آنها هم دارد می‌رسد که بیان خواهیم کرد البته وقتی که نزدیک شود طبیعتاً صداقت‌ها درمی‌آید و فرار رو به جلو می‌کنند. من همین جا از قوه قضائیه می‌خواهم وقتی دادگاه است و نه در مناظره» طبق قانون صادر شد برای مردم روشن کنند که چه موضوعی بوده و چه صورت گرفته است.» رضا نصری حقوقدان و کارشناس ارشد سیاست خارجی، در واکنش به سخنان سعید جلیلی در خصوص پرونده کرست در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پرونده کرست یک پرونده مهم بین المللی است که مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته. اینکه بگویند «جای متهم دادگاه است و نه در مناظره» مبنای محکمی ندارد. مادام که متهم در دادگاه محکوم نشده، اصل بر ابرائت است و حق دارد از هر تریبونی مواضع خود را مطرح کند. حال دلواپسان سایه نشین چراز مناظره شانه خالی می‌کنند.

محبی‌نیا، نماینده سابق مجلس

به دولت سایه نیاز نداریم باید آفتابی باشیم

و می‌خواهیم امر سیاسی را زنده نگه داریم، باندن که چه فرآیندی شکل می‌گیرد. وی افزود: دولت سایه آقای جلیلی از زمان آقای رئیسی هم راه به جایی نبرد و بیشتر حالت شعاری داشت. ایشان وقتی عضو شورای عالی امنیت ملی کشور است، چطور می‌تواند در حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، IT، هوش مصنوعی و روابط بین‌الملل امر موجود را ارزیابی کند و از طرفی امر مطلوب را پیشنهاد دهد. مگر آنکه حزب داشته باشد. در جامعه ایران حزب معنا و مفهوم ندارد. دولت سایه در بعضی از کشورهای غربی در حالت یک نظریه باقی مانده و امروز احزاب به خوبی این وظیفه را به عنوان حزب موافق یا مخالف انجام می‌دهند و امر سیاست را مدیریت می‌کنند. برخلاف فرهنگی که در غرب گسترش پیدا کرده، در جامعه ایران به دولت تفاهم

کنیم. نقد یعنی ارائه دقیق و علمی از نواقص و پیشنهاد برای رفع آن نواقص است اگر غیر از این باشد مسلماً نقد نیست. محبی‌نیا در پاسخ به این سوال که یکی از موضوعات مطرح در دولت سایه آقای جلیلی، عدم شفافیت و محرمانگی آن است. کدام نهادها باید شفافیت مالی و کاری دولت سایه را پیگیری کنند، گفت: شفافیت امری است که در قالب حکمرانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. وقتی بحث شفافیت پیش می‌آید خیلی‌ها نگاه سیاسی به آن دارند. کما اینکه در یکی از دوره‌های پارلمان صدای آن را در شبیور سورا سرافیل دمیدند. گوش عرشیان را از این صدا کر کردند اما خودشان جرأت نکردند ۴ سال قانون را اجرا کنند. ما با عدم شفافیت در نهادها، تمامی گروه‌ها و اهداف در جامعه ایران مواجه هستیم. البته از یک زاویه دیگر هم باید مراقبت کنیم تا پی گرفتن شفافیت از طرف نهاد‌های رسمی به مفهوم و منزله تقویت تجسس نباشد. ما از قبل تجسس، مداخله و بی‌گرفتن امور خصوصی افراد و گروه‌ها، در جامعه مشکلات زیادی را به بار آورده‌یم که سالیان سال آثار منفی آن مانده است.

یک فعال سیاسی گفت: متأسفانه تحت عنوان فعالیت‌های سیاسی در بعضی از زمینه‌ها به یک گروه گرایمی مبتلا شده‌ایم و گروه‌های تندروی بسیار در دل برخی از نهاد‌های عمومی، خصوصی و علمی شکل گرفته است. جهان‌بخش محبی‌نیا نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که جلیلی بعد از شکست انتخاباتی در برابر پزشکیان بر ادامه روند دولت سایه تأکید کرد. تحلیل شما درباره مبنای حقوقی تشکیل دولت سایه چیست گفت: تشکیل دولت سایه مبنای حقوقی ندارد. می‌تواند زیرساخت سیاسی داشته باشد و اگر از منظر علم سیاست با تکیه بر حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی و برنامه ریزی باشد، خوب است. ولی باز همه ماجرا نیست. بلکه یک نوع توقف در استیلا برای نگه‌داری و تقویت شعارهای سیاسی است که در گذشته نشان داده شده با این نوع روایت‌ها و فرارها در جامعه ایران به جایی نمی‌رسیم. ما در جامعه ایران به دولت سایه نیاز نداریم، اتفاقاً باید خیلی آفتابی باشیم تا مردم بتوانند وقتی در انتخابات رای بیاورند، به نفع‌های ما را در قبال دولتی که رای آورده